

یاد

درگذشت منوچهر آریانپور



● **ایستنا:** منوچهر آریانپور کاشانی در ۹۲سالگی در آمریکا درگذشت. مرحوم آریان‌پور هفتم شهریور سال ۱۳۰۸ در کاشان به دنیا آمد. او مدرسه عالی ترجمه را به کمک پدرش در سال ۱۳۴۸ بنیان نهاد. پس از فارغ‌التحصیلی در دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۴۸ به همراه پدرش مدرسه عالی ترجمه را در ایران بنیان گذاشت که در همان سال اولین دوره دانشجویان در آن مشغول به تحصیل شدند. منوچهر آریان‌پور در سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰ به کمک دانشجویان و برخی استادان همان مدرسه عالی کار تألیف فرهنگ آریان‌پور را آغاز کرد که نمره ۱۰ امروز انواع لغت‌نامه‌های فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی است. مجموعه کتاب‌های فرهنگ پیشرو آریان‌پور مشتمل بر فرهنگ‌های هفت جلدی انگلیسی به فارسی، چهار جلدی فارسی به انگلیسی، دو جلدی گسترده، یک جلدی فراگیر تنها برخی از آثار منتشرشده از آریان‌پور است.

منوچهر آریان‌پور در سال ۱۳۷۸ کل اموال موروثی خاندان آریان‌پور کاشانی را به دانشگاه کاشان هدیه کرد. ارزش این اموال که شامل چند واحد مسکونی، باغ، زمین و مرکز آموزش عالی است، در آن زمان بیش از ۱۰ میلیارد تومان برآورد می‌شد. او همچنین حق تألیف کتاب‌های خود را پس از مرگ به این دانشگاه واگذار کرده بود. مرحوم آریان‌پور که سال‌ها بود در آمریکا زندگی می‌کرد، در ششم دی‌ماه ۱۴۰۰ دار فانی را وداع گفت.

تماشاگر-۱۴

عبور از تعلقات



رضا صدیق

● مالزی را دوست ندارم، مثل دوست‌نداشتن یک غذا یا میوه. طبعش با من سازگار نبود، هم از جهت آب و هوای مدام یکسان گرم و باران‌های یکهوی سیل‌آسا و هم از این جهت که برایم مثل یک مال بزرگ بود، حالا نه به مثل دویی بی‌قواره و وسط صحرا که در میان طبیعت بکر و جنگل‌های مالزی.

شاید به‌عبارتی بتوان گفت که هجرت واقعی من از ارمنستان شروع شد. از این جهت که به‌واسطه مرز زمینی، همه کتاب‌ها و وسایلی را که تعلقات شخصی‌ام بود، به خانه‌ام در ارمنستان منتقل کرده بودم. سخت هم نبود؛ اما حالا بلیتی که به مقصد مالزی گرفته بودم، من را مجاز به حمل فقط ۲۵ کیلوگرم بار کرده بود. پس باید وسایلم را برمی‌گرداندم. به‌سختی و با زبان‌نابلدی و کمک‌جستن از چند نفر و حتی از طریق باربری ترمینال در ایران راهش را پیدا کردم. حالا تنها شروع به بسته‌بندی کرده بودم و بار زده بودم تا ترمینال ایران. اصل‌کاری‌ها یعنی کتاب‌ها را رد کردم رفت. بخشی از وسایل منزلم را که از خانه‌مان در ایران آورده بودم مثل سشوار و این‌جور چیزها گذاشتم برای دلجویی از صاحب‌خانه‌ام. چون رفتن را به او خبر نداده بودم و او بعد از فهمیدن این موضوع می‌توانست پول دپوزیت یا پیش‌پرداخت خانه را که دو ماه اجاره بود، به‌عنوان جریمه بردارد. باید کیلوهای آخر ساکم را کم و زیاد می‌کردم. برای همین اولین مواجهه‌مان با بریدن از متعلقات جسمی و الزامات یعنی چه.

به مقصد مالزی به راه افتادم و حدود ۱۸ یا ۲۰ ساعت در راه بودم، زیرا ترانزیت در دوحه حدودا ۱۰ ساعت (کم و زیاد) بود و در هتلی که بابت ترانزیت به بلیتم متعلق شده بود، شب را گذراندم و به مسیر ادامه دادم؛ اما آنچه کنار ماجرا مهم است، علاقه یا نوع برخورد با ترانزیت است. جهانی میان جهانی، همه منتظرانی هستند که یا می‌آیند یا می‌روند. برخورد و آشنایی‌های گذرا و هم‌صحبتی‌ها و حتی به دیگران نگاهش‌کردن اگر با دید کشف اطراف باشد نه حوصله‌سربر که حتی جذاب است. هرکس در معطل‌ماندن در ترانزیت راهی برای اِتلاف وقت پیدا می‌کند؛ یکی مدام با گوشی‌اش بازی می‌کند، یکی کتاب یا روزنامه می‌خواند و یکی موزیک گوش می‌دهد و یکی در اینترنت چرخ می‌زند و یکی خوشش می‌برد و یکی ول می‌چرخد در فروشگاه‌های ترانزیت مدام مدام. هرکس کاری می‌کند. در این همه نوع‌ها اما گاهی دیالوگ‌هایی شکل می‌گیرد که برایت یادگاری است؛ مثل آن بار که در یکی از هجرت‌هایم، در ترانزیت رخ داد.

زنان

قانونی برای فشار بیشتر روی زنان



زهر ا آزادبهرام

مشوق‌ها هم چندان نمی‌توان کسی را ترغیب به فرزندآوری کرد. وقتی کسی شغل و محل درآمدی ندارد، داشتن زمین یا دریافت وام چقدر می‌تواند او را به سمت‌وسوی داشتن فرزند ترغیب کند. ضمن اینکه در چنین شرایط بی‌ثبات اقتصادی بسیاری حتی از تلاش برای گرفتن وام یا راه‌اندازی کسب‌وکاری پرهیز می‌کنند.

چالش سوم در مسیر بحران‌های جمعیتی ایران مسئله تغییر سبک زندگی است. در کشوری مانند آلمان هم می‌بینیم که با وجود اینکه دولت کمک‌هزینه‌هایی را تا ۱۸سالگی فرزند متقبل می‌شود؛ اما میل به فرزندآوری وجود ندارد؛ چراکه آنها در سبک زندگی‌شان تغییراتی ایجاد کرده‌اند و مصالحی را می‌بینند که منجر به چنین رویکردی می‌شود؛ یعنی در کشورهایی که مشوق‌های مالی درخورتوجهی هم وجود دارد، باز هم ممکن است به دلیل تغییر سبک زندگی کسی علاقه‌ای به داشتن فرزند نداشته باشد و در روزگار جدید کاملا طبیعی است که این تغییر سبک زندگی در جای‌جای دنیا ازجمله ایران هم دیده شود. شاید اگر ما به مسائل فرهنگی کمی بیشتر توجه می‌کردیم و در این راه رویکرد تشویقی را بررنگ‌تر از رویکرد تنبیهی می‌کردیم، شاید نتایج بهتری هم حاصل می‌شد. متأسفانه در این قانون هم سویه تنبیهی پررنگ‌تر از تشویقی است. مثلا محروم‌کردن شهروندان از وسایل پیشگیری از آن دست موضوعاتی است که نتایج بسیار بدی در پیش خواهد داشت؛ چراکه قشر متمولی که تصمیم به نداشتن فرزند دارد، می‌تواند از بازار آزاد و با هزینه بیشتر این اقلام را تهیه کند؛ اما اینجا آسیب را خانواده‌ای از قشر کمتر برخوردار می‌بینند که چهار فرزند دارند و به وسایل پیشگیری هم دسترسی ندارند و پول تأمین بازار آزاد آن را هم ندارند. رویکردهای تنبیهی پاسخ‌گو نیستند. رویکردهای تشویقی قطعا می‌تواند مؤثرتر باشد. نکته مهم دیگری که در این قانون مورد انتقاد است، این است که در این قانون فشار روی زنان است. نگاه این قانون چنان است که گویی این زنان هستند که تمایل به بارداری ندارند؛ درحالی‌که در بسیاری از خانواده‌های این پدرها هستند که علاقه‌ای به داشتن فرزند ندارند. در موارد بسیاری دیده شده که شوهرها شرط ضمن عقد گذاشته‌اند که فرزندی از این ازدواج نمی‌خواهند؛ اما قانون این مسائل را ندیده و زنان را تحت فشار قرار داده است.

مسئله دیگر این است که در این قانون توجه چندانی به منابع تأمین آن نشده است. نمی‌توان قانونی را مصوب کرد، بی‌آنکه بودجه‌ای را برای آن در نظر گرفت؛ اما اکنون معلوم نیست از چه راهی قرار است بودجه این قانون تأمین شود و این خود بر غیشفای‌بودن و احتمالا مؤثرنبودن سیاست‌های تشویقی این صحنه می‌گذارد. نمودارها نشان می‌دهد که هرگاه وضعیت اقتصادی با ثبات و آرامش بوده، علاقه به فرزندآوری هم افزایش یافته است؛ چراکه مردم برای خودشان آینده‌ای متصور بوده‌اند. برای همین می‌دانیم که با تحت فشار قراردادن مردم نمی‌توانیم آنها را به فرزندآوری ترغیب کنیم. نباید فراموش کنیم که ما تنها به دنبال افزایش جمعیت صرف نیستیم و می‌خواهیم نسلی سالم و شاداب را که در شرایطی درست و به دور از تنش‌ها پرورش یافته‌اند، داشته باشیم. برای همین باید شرایط را به‌گونه‌ای ترتیب دهیم که مردم به صورت طبیعی به این مسیر کشیده شوند. نه با تحت فشار قراردادن زنان و قراردادن سیاست‌های تنبیهی.

جمعیت و نگرانی برای آینده جمعیت موضوعی است که برای همه کشورهای دنیا همیشه مهم بوده و کشور ما هم جدا از این مسئله نیست و طبیعی است که نگرانی‌هایی برای آینده کشورمان و ترکیب جمعیتی آن وجود داشته باشد. می‌بینیم که در کشورهایی دیگری مانند ژاپن و آلمان با ۱۲۰ میلیون و ۸۵ میلیون نفر جمعیت هم نگرانی‌هایی از این دست وجود دارد. به هر حال هر کشوری باید به نسبت میزان سالم‌دانش به زادولد نگرانی‌هایی داشته باشد؛ اما مسئله اصلی اینجاست که آیا می‌توانیم با وضع یک قانون برای این نگرانی‌ها راه چاره‌ای پیدا کنیم. آیا باید برای جوان‌سازی جمعیت در ایران پا در مسیر قانون‌گذاری بگذاریم یا اینکه ظرفیت‌های دیگری را هم فعال کنیم؟ مسئله اصلی اینجاست که این قانون که در حدود هفتاد و چند ماده طراحی شده و در آبان ماه از طرف شورای نگهبان به دولت ابلاغ شده، چند چالش جدی را در پی دارد. نخست اینکه به نظر می‌رسد در این قانون نظرات کارشناسان از طیف‌های مختلف به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از چالش‌های جدی اینجاست که کارشناسان حوزه بهداشت و درمان و همچنین جمعیت‌شناسی معتقدند که نظرها و نگرانی‌های آنها مورد توجه قرار نگرفته است. ازاین‌رو شاید لازم باشد که این قانون مورد بازخوانی قرار بگیرد و برای کارآمدترشدن آن تلاش شود. نکته مهم این است که سویه تنبیهی در این قانون بیشتر از سویه تشویقی مدنظر قرار گرفته و شاید همین مسئله هم گروهی را از آن هراسان کرده و هم احتمالا کارایی آن را کمتر کرده است.

سه چالش اصلی در مسئله جمعیت ایران وجود دارد؛ سنله نخست زوج‌های نابارور ایرانی هستند. چیزی حدود سه میلیون زوج نابارور در کشور داریم که اگر مشکلات‌شان برطرف شود، می‌توان انتظار داشت چیزی حدود شش میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شود. تمرکز روی این بخش از چالش جمعیتی بسیار مهم است و البته در قانون هم توجه خوبی به این بخش شده است. تحت پوشش قرارگرفتن درمان‌های ناباروری یکی از اتفاقات خوب این مسیر است. در مجموع قانون ظرفیت‌های خوبی را برای فعال‌کردن این بخش در نظر گرفته است. نکته دوم در این مسیر وضعیت اقتصادی کشور است؛ اگرچه در این زمینه قانون مشوق‌هایی را برای اعضای هیئت علمی یا کارکنان در نظر گرفته است؛ ولی به‌خوبی می‌دانیم که همه جمعیت ایران کارکنان دولت نیستند. یکی از مشکلات اصلی کشور ما جمعیت بالای بی‌کاران است که حالا در قرائت‌های مختلف عدد آن دست‌خوش تغییراتی است؛ ولی به هر حال قابل چشم‌پوشی نیست که قسمت درخورتوجهی از جمعیت کشور با بی‌کاری و تنگناهای اقتصادی ناشی از وضعیت اقتصادی منلاطم این سال‌ها دست به گریبان است و این مسئله روی امید به زندگی آنها و در نتیجه امید به داشتن فرزند تأثیر می‌گذارد. البته در قانون مشوق‌های اقتصادی‌ای اندیشیده شده؛ ولی به‌خوبی می‌دانیم که حجم مشکلات اقتصادی کشور چنان است که با این

پیشخوان

«نگاه نو» ویژه داستایفسکی منتشر شد

عبدالحسین آذرنک، «... بازگو حالی از آن خوش حال‌ها» (به فرخندگی هفتادوپنجمین زادروز عبدالله کوثری) نوشته الوند بهاری و «مسئله سیمین و جلال» (ای کاش آل‌احمد هم از دانشور آموخته بود!) نوشته علی حصوری درج شده است.

«فرار بزرگ» نوشته هلیما ولیتیز با ترجمه وازریک درساهاکیان و «بوقالو» نوشته کلارنس لیبسکیتور با ترجمه عبدالله کوثری در بخش

داستان‌های این شماره آمده است. در بخش «رویدادها و گزارش‌ها» هم این مطالب را می‌خوانیم: «نقل از خاطرات نسل آخر» (به یاد ایران دژودی) نوشته جواد مجابی، «ادای دین به محمدرضا شجریان» از مهرخت، دارابی، «کامییز رفت؛ ما ماندیم و میراثش» (به یاد کامییز درم‌بخش) نوشته حسین کریم‌زاده، گزارش اهدای جایزه مهتاب میرزائی، «به احترام خسرو خورشیدی» نوشته منوچهر سادات‌افسری، «گذشته هرگز نمی‌میرد» (اهدای جایزه بوکر ۲۰۲۱) نوشته علیرضا آبیژ، «به یاد هوشنگ چالنگی»، نوشته شمس لنگرودی و «روایتگر تنهایی»، خشونت و بحران‌ها» (به یاد جمشید بهنام) نوشته علیرضا مناف‌زاده. شماره ۱۳۱ مجله «نگاه نو» به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی علی میرزائی در ۲۶۰ صفحه و با قیمت ۶۵ هزار تومان منتشر شده است.



به گزارش ایستنا، بخش ویژه این شماره «نگاه نو» به «فیودور داستایفسکی» اختصاص دارد که با این مطالب همراه است: «درباره بخش ویژه این شماره»، «چرا هنوز باید داستایفسکی خواند؟» نوشته آنتین گلکار، «داستایفسکی: مؤلف به‌مثابه روان‌کاو» نوشته لئوئیس برگسر با ترجمه سامان توکلی، «داستایفسکی و هنر نقاشی» از جمال عرب‌زاده، «مسئله «زن» در

ادبیات روسی: داستایفسکی و تالس‌توی» نوشته زهرا محمدی، «تالس‌توی یا داستایفسکی» نوشته کوین هارتنت با ترجمه بهرام فرهنگ و «تأملاتی درباره برداران کارامازوف» نوشته کوین هارتنت با ترجمه صالح نجفی.

«عبدالرزاق فورنه» نوشته وازریک درساهاکیان و «نوشتن (خطابه جایزه نوبل)» نوشته عبدالرزاق فورنه با ترجمه رضا رضایی در بخش «جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۱» درج شده‌اند.

در بخش مقاله‌ها هم «سریال تشکیلات و دل‌مشغولی‌های ژئوپلیتیک در ترکیه» (روایتی حماسی از فعالیت‌های سازمان اطلاعات ملی ترکیه) از نادر انتخابی، «ریشه‌های تاریخی بحران قریه‌باغ» از سیروان خسروزاده، «از او و خرسندی‌ها و ناخرسندی‌هایش» (یادی از رضا شیخ‌الاسلامی، استاد سیاست و تاریخ در آکسفورد) نوشته

اجساد ۲۸ پناه‌جو در سواحل غربی لیبی کشف شد

اجساد ۲۸ پناه‌جو شبیه‌شب به دنبال غرق شدن قایق حامل آنها در ساحل غربی لیبی کشف شد. به گفته یک منبع امنیتی اعضای هلال‌احمر این اجساد را در دو محل متفاوت پیدا کردند. آنها همچنین با سه پناهجوی روبه‌رو شدند که از حادثه غرق‌شدن قایق جان به در برده بودند. محل کشف اجساد پناه‌جویان در حدود ۹۰ کیلومتری طرابلس، پایتخت لیبی واقع شده است. منبع امنیتی به خبرگزاری فرانسه گفته است که تجزیه اجساد پناه‌جویان

نشان می‌دهد که از زمان غرق شدن قایق چند روز می‌گذرد، خبر کشف اجساد گروه دیگری از پناه‌جویان چند روز پس از آن منتشر می‌شود که در مجموع ۱۶۰ پناه‌جو در یک هفته بر اثر غرق شدن قایق‌های‌شان در نزدیکی سواحل غربی لیبی جان باختند. بنا بر آمار سازمان بین‌المللی مهاجرت از ابتدای سال ۲۰۲۱ تاکنون هزارو ۵۰۰ پناه‌جو که از سواحل غربی لیبی به مقصد قاره اروپا حرکت کرده بودند، جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که بیش از ۳۰ هزار پناه‌جو نیز از خطر غرق شدن در



یلدایی به رنگ بهار

توزیع بسته‌های یلدایی در اپیرانشهر

شماره کارت: ۶۴۳۶ ۷۸۱۴ ۳۳۷۹ ۶۱۰۴

به نام موسسه خیریه نیکوکاران شریف

نیکوکاران شریف
حامی زنان و کودکان بدسرپرست

۰۶۱۶۰۴-۰۲۱



عضو ویژه مشورתי
شورای اجتماعی،
اقتصادی سازمان ملل
عضو برنامه جهانی
سازمان ملل متحد